عنوان:

**پایه‌های دوگانگی تشریع در سیر انسان‌ها**

|  |  |
| --- | --- |
| شناسنامه مطلب | |
| کد مطلب | e-w-44 |
| موضوع | نحو و معانی و منطق |
| رده | علمی/سایر علوم/تحقیق و مطالب علمی/یادداشت/دروس حوزوی/سؤال و تمرین |
| برچسب | عطف نسق، واو عاطفه، اغراض عطف، بصیرت، الله، شیطان، فطریات، اضمار قبل از ذکر |
| توضیحات | 1. محتوای این فایل، پاسخ به [تمرین 508](https://eitaa.com/karbordeelm/1417) از تمارین [کانال کاربرد علوم حوزوی](https://eitaa.com/karbordeelm) در پیام‌رسان ایتا است.  2. در توليد اين فايل از نرم‌افزار جامع الاحاديث و قواعد ادبیات عرب متعلق به مرکز تحقيقات کامپيوتری علوم اسلامی استفاده شده است. |

«عن أبي جعفر ع قال: قال رسول الله ص يا أيها الناس إنما هو الله و الشيطان و الحق و الباطل و الهدى و الضلالة و الرشد و الغي و العاجلة و العاقبة و الحسنات و السيئات فما كان من حسنات فلله و ما كان من سيئات فللشيطان[[1]](#footnote-1)»

**تمرین:**

1. مرجع ضمیر «هو» را ذکر کنید.
2. 🔰 نوع «واو» را در بین مفردات خبر شریف تعیین کنید.
3. 🔰 نتیجه ذیل خبر مبتنی بر چه استدلالی از صدر آن است؟

**پاسخ:**

2. واوهای فرد برای معیت است. البته مراد از معیت، واو قبل از مفعول معه نیست بلکه نوعی واو عطف است که برای جمع به‌کار می‌رود و واوهای زوج برای عطف ساده و معمولی است. نتیجه اینکه الله و الشیطان باهم متعاطف اند و الحق و الباطل باهم متعاطف اند و الهدی و الضلالة باهم و هکذا به‌حساب معیت و الحق و الهدی و الرشد و ... با الله متعاطف‌اند به‌حساب مطلق عطف[[2]](#footnote-2) و عامل در همه، عامل در الله است بنابر اینکه هردو نوع عطف، عطف مفرد باشد. ابن هشام می‌گوید: «لا يجوز «ما اختصم زيد و لا عمرو» لأنه للمعية لا غير، و أما (وَ ما يَسْتَوِي الْأَعْمى‏ وَ الْبَصِيرُ، وَ لَا الظُّلُماتُ وَ لَا النُّورُ، وَ لَا الظِّلُّ وَ لَا الْحَرُورُ، وَ ما يَسْتَوِي الْأَحْياءُ وَ لَا الْأَمْواتُ) فلا الثانية و الرابعة و الخامسة زوائد لأمن اللبس[[3]](#footnote-3)».

1. مرجع ضمیر هو، مابعد است لفظاً و رتبةً و این از موارد جواز است که مفید تفخیم مطلب برای مخاطب باشد تا خبر در وی اثر شگرف‌تری بگذارد.

مراد از مابعد نیز نه الله است و نه هردوی الله و الشیطان تا اشکال شود چرا لفظ ضمیر، مفرد است بلکه مراد جهت جامع بین الله و الشیطان است که در ذهن متکلم حاضر است و با دو لفظ الله و الشیطان و نیز دو لفظ الحق و الباطل و ... به آن اشاره می‌کند یعنی اینکه واقع شریعت و راهی که در خارج برای انسان وجود دارد دوگانه‌ایست که انسان بایست یکی را انتخاب کند.[[4]](#footnote-4)

غرض از عطف‌های مکرر «الحق و الباطل» و ... ظهورات و امتدادهای حقیقت دوگانه مزبور است.

1. ظاهراً نتیجه‌گیری ذیل مبتنی بر استدلال غیرمباشر است یعنی إذا کان الکائن هو اللهَ فامتدّت ظهوراته حتّی انتهی الظهور إلی حسنة کانت منه تبارک شأنه لکبری منطوية في النفوس من «رجوع کل رقیقة إلی حقیقتها» و هي من الفطریات و الله اعلم.

1. . وسائل الشيعة، ج‏1، ص: 67 [↑](#footnote-ref-1)
2. محتمل است که الباطل و الضلالة و ... با الشیطان متعاطف باشند اگرچه این نکته در عامل تأثیری ندارد. [↑](#footnote-ref-2)
3. . مغني اللبيب ؛ ج‏2 ؛ ص355 [↑](#footnote-ref-3)
4. دقت شود که این دوگانه در تشریع به‌معنای دوگانه اصیل در خارج تکوین نیست که لازمه‌اش ثنویت باشد. بلکه الله عزّوجلّ خود به حسب حکمت زیبای خود شیطان را آفریده و او را مظهر کمالات جلالی خود قرار داده است و او به قدرت و اذن الهی می‌تواند با اختیار خود اظهار انانیت کند و در مقابل الله، طغیان ورزیده و راه مستقلی در تشریع ارایه نماید. [↑](#footnote-ref-4)